خبر

فشار بر هنرپیشه اسکاری به‌خاطر اظهارات ضدیهود

ووپی گلدبرگ، هنرپیشه سیاهپوست هالیوود به خاطر اظهارنظر علیه یهودیان و هولوکاست با انتقادات فراوانی مواجه شده و از برخی برنامه‌ها کنار گذاشته شده است.

جاناتان گرین بلت، رئیس اتحادیه ضد افترا به تندی از موضع و سخنان این هنرپیشه اسکاری انتقاد کرد و آن را عمیقا توهین‌آمیز و سرشار از نادانی توصیف کرد.

به‌جز این مقام، بسیاری دیگر از دست‌اندرکاران هالیوود و مقامات سیاسی نیز به حمایت از یهودیان و لابی‌های صهیونیستی علیه این هنرپیشه محبوب موضع گرفتند و از جوانب مختلف او را تحت فشار قرار دادند تا آنجا که از برخی برنامه‌ها همچون برنامه پربیننده تلویزیونی «ویو» (نما) کنار گذاشته شد.

فشارها تا آنجا ادامه یافت که این بازیگر هالیوودی را مجبور به عذرخواهی کردند. مسأله‌ای که از مغایرت کامل با بحث و شعار آزادی بیان در کشور آمریکا حکایت دارد.

اظهارات ووپی گلدبرگ در آستانه سال نوی میلادی در سطح گسترده‌ای وایرال شد و آخر هفته‌ای جنجالی را در آمریکا به‌دنبال داشت. این اظهارات انتقادات گسترده و فوری سازمان‌های یهودی از جمله لیگ ضد افترا و موزه هولوکاست آمریکا را برانگیخت.

در گفت‌وگو با مسعود شجاعی طباطبایی بررسی شد

بصیرت‌افزایی در روزگار جنگ رسانه‌ای

دنیای کفر با تمام هیمنه‌اش، علیه ایران به‌خط شده است

مریم احمدی
گروه فرهنگ و هنر

سیدمسعود شجاعی‌طباطبایی، کاریکاتوریست مطرح و بین‌المللی ایران است که طی سال‌های فعالیت هنری خود همواره به‌عنوان یک هنرمند بابصیرت، به تحلیل وقایع سیاسی و فرهنگی می‌پردازد و آثاری را ارائه می‌دهد که تبیین‌کننده نگاه نظام جمهوری اسلامی ایران است. او که کارنامه پرباری نیز در زمینه مدیریت هنری و برگزاری رویدادهای بین‌المللی دارد، این روزها مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری است و دبیری نمایشگاه بین‌المللی کارتون و کاریکاتور جام‌جهانی فوتبال ایران ۱۴۰۱ را برعهده داشته است. در جام‌جم با او در رابطه با شرایط این روزهای کشور، جنگ رسانه‌ای که علیه ایران شکل گرفته و اسلام‌ستیزی و ایران‌هراسی که از سوی برخی از رویدادهای هنری رقم می‌خورد به گفت‌وگو پرداختیم.

مجید آزاد - جام‌جم

مسابقه‌های هنری صهیونیست در راستای ایران‌ستیزی

سیدمسعود شجاعی‌طباطبایی، کارتونیست باسابقه با بیان این‌که سالیان سال است درگیر هجمه‌های بی‌شماری از سوی دشمن در حوزه‌های مختلف فرهنگی به‌ویژه کاریکاتور هستیم، به مصادیقی از این تحرکات خارجی اشاره می‌کند و می‌گوید: در طول سال‌های اخیر بخش‌های مختلفی در خارج از کشور مسابقاتی را راه‌اندازی کردند. مثلا در سال ۲۰۱۷ مسابقه‌ای تحت عنوان «زنان ایرانی از نمای نزدیک» برپا شد. بانی این اتفاق دولت فرانسه و شبکه ایران‌وایر بود، یا پس از آن نیز شاهد اتفاقات دیگری هم بودیم که غالبا از طریق فرانسه ساماندهی می‌شد. رانان لوری، صهیونیست نیز مسابقه‌ای را تحت عنوان «جایزه رانان لوری» با جوایز۳۶هزار دلاری از طریق سازمان ملل برگزار و روی موضوعاتی همچون ایران‌ستیزی و اسلام‌هراسی به‌صورت جدی کار می‌کند و در بسیاری از موضوعات مطروحه آنها بحث زن هم مطرح بوده است. آخرین اتفاقی هم که در حوزه کاریکاتور رقم خورد برگزاری نمایشگاهی با موضوع خشونت علیه زنان بود.

وی با اشاره به هجمه‌هایی که در اتفاقات اخیر از سوی رسانه‌های معاند وارد شد تصریح می‌کند: متاسفانه اخیرا حوادث تلخی را شاهد بودیم که من آن را جدا از همین دشمنی‌ها نمی‌بینم. آنها مسیری را طی کردند که می‌توان آن را به اشکال مختلف مورد تحلیل و ارزیابی قرار داد.

دامنه دشمنی‌ها گسترده شده

شجاعی‌طباطبایی با تاکید بر این‌که دنیا با تمام هیمنه‌اش علیه ایران شده و این مسأله به‌راحتی قابل رصد است، می‌گوید: به نظرم می‌توان این اتفاق را با واقعه جنگ تحمیلی مقایسه کرد که همان ایام به‌طور رسمی اعلام شد ۳۵ کشور در کنار صدام بودند. مثلا همین دولت فرانسه که به‌صورت جدی در حوزه کاریکاتور هم فعال است در دوران جنگ انواع و اقسام سلاح‌ها را به رژیم بعثی می‌داد و حتی هواپیماهای جنگی سوپراتاندارد را به‌صورت امانی در اختیار صدام می‌گذاشت. حالا دامنه این دشمنی‌ها گسترده شده و بسیاری از کشورهای دیگر را هم درگیر کرده‌اند و فضای بسیار تلخ و سیاهی از ایران منعکس می‌کنند.

رسانه‌های غربی و سیاه‌نمایی علیه ایران

«سیاه‌نمایی علیه ایران یکی از مباحثی است که در رسانه‌های غربی به‌صورت جدی روی آن تمرکز شده است.» این را شجاعی‌طباطبایی می‌گوید و تاکید می‌کند در این سو هم ما خیلی تلاش کردیم این اتفاقات را مطرح و درباره آن روشنگری کنیم و بارها هم به این موارد اشاره کرده‌ایم.

وی می‌افزاید: در فرانسه سازمانی به نام Cartooning For Peace یا کشیدن کارتون برای صلح وجود دارد. کسی که پشت این سازمان قرار گرفته ژان پلانتو، یعنی همان فردی است که کاریکاتورهای موهن را درباره پیامبراکرم(ص) کشیده و در غائله شارلی‌ابدو نیز نقش موثری داشته است. این آقا مسئول این اتفاق است و سازمان ملل نیز پشتیبانش است و جالب است بدانید کوفی‌عنان اولین کسی بود که به‌عنوان رئیس افتخاری سازمانش منصوب شد یا سایت دیگری تحت عنوان United Sketch وجود دارد که یک کاریکاتوریست ایرانی در این بین بانی برپایی مسابقه «خشونت علیه زنان» می‌شود؛ مسابقه‌ای که از ۹ نفر برنده آن، هفت نفرش ایرانی است. بنابراین می‌بینیم که این دشمنی بسیار واضح است. خب، اینها خیلی رو بازی می‌کنند اما مشکل این است که ظاهرا در داخل متوجه این اتفاق نیستیم یا می‌ترسیم و نمی‌دانم چرا ملاحظه‌کاری می‌کنیم و با تمام توانی که داریم مستقیما در مقابله با اینها کار موثر و جریان‌سازی انجام نمی‌دهیم.

همه شاهد بودیم وقتی خانم مهسا امینی درگذشت ظرف چند روز تمام دنیا درگیر این اتفاق شد و برایش میلیون‌ها هشتگ زدند اما شاید خیلی‌ها ندانند که اینها سال‌هاست روی دشمنی با ایران کار می‌کنند و اگر بخواهیم خوشبینانه به قضیه نگاه کنیم می‌توانیم بگوییم از این اتفاق صیادی کردند و دنبال یک ماجرا بودند تا آن را به بحران تبدیل کنند. همه چیز هم که برای‌شان مهیا بود، یک دختر جوان با قومیت کرد و اهل سنت که از طریق گشت‌ارشاد بازخواست شده و به واسطه این اتفاق در آن فضا از دنیا رفته است. البته ما هم با نحوه برخورد و شیوه روبه‌رو شدن با حجاب مسأله داریم و معتقدیم باید خیلی دقیق و باملاحظه کار می‌شد اما می‌بینیم در این بحران از شخصی استفاده می‌کنند که تمام ظرفیت‌های لازم را برای سیاه‌نمایی دارد و پس از آن دیگر ما با انواع و اقسام حمله‌ها در حوزه جنگ رسانه‌ای روبه‌رو هستیم.

شعارهای ساختارشکن

وی با اشاره به واکنش‌های هنرمندان و سلبریتی‌های سخیف به این اتفاق می‌گوید: زمانی که فضا تا این حد تلخ و تند می‌شود طبیعی است که تعدادی از هنرمندان به‌واسطه احساساتی که غلیان پیدا کرده مسائلی را مطرح و اعتراض می‌کنند اما عده‌ای از کاربران در فضای مجازی روند این اعتراضات را از حالت طبیعی خود خارج می‌کنند که از یک جایی به بعد غیرمعمول و تبدیل به یک جریان می‌شود و شعارهای ساختارشکنانه‌ای مانند مرگ بر دیکتاتور سر می‌دهند درحالی‌که خودشان به شکلی دیکتاتورمآبانه برخورد و اعلام می‌کنند یا با ما یید یا بر ما یید و حد وسطی وجود ندارد. حالا هنرمندان در این فضا قرار گرفته‌اند و فکر می‌کنند باید موضع بگیرند و اگر این موضع چیزی غیر از این موارد باشد به‌شدت مورد نکوهش قرار گرفته و با آنها برخورد می‌شود. مثلا چندی پیش صفحه مازیار بیژنی، هنرمند کاریکاتوریست را به‌دلیل کاریکاتورهایی که پشت صحنه این اتفاق را نشان داده و شبکه‌های معاند و منافق را رسوا کرده دیپورت کردند و صفحه‌اش بسته شده است. به گفته مدیر مرکز هنرهای تجسمی حوزه هنری، در این جنگ نابرابر ۲۵۰ شبکه فارسی‌زبان شبانه‌روز کار می‌کنند. در این میان خیلی از هنرمندان تحت فشار قرار می‌گیرند. برخی به این نتیجه می‌رسند و همراهی می‌کنند، عده‌ای نقطه نظرات‌شان را به شکل کلی مطرح می‌کنند و برخی هم در آن فضا قرار می‌گیرند که البته حساب آنها با کسانی که عامدانه آب در آسیاب دشمن می‌ریزند و آتش‌بیارمعرکه هستند جداست. ما وظیفه داریم این اتفاقات را موشکافانه بررسی کنیم که چطور هنرمند را با هنرمند و ورزشکاران را مقابل هم قرار می‌دهند.

دروغ‌پراکنی رسانه‌های معاند با ۲ اصل بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی

وی با بیان این‌که ما اصلا در جست‌وجوی دشمن فرضی نیستیم بلکه می‌بینیم دشمن علناکار خودش را می‌کند، ادامه می‌دهد: بسیاری از مباحثی که این رسانه‌ها مطرح می‌کنند براساس دروغ‌پراکنی و با تاکید بر دو اصل بزرگ‌نمایی و کوچک‌نمایی است. فرض کنید در تهران و شهرهای کلان التهاباتی بوده اما این رسانه‌ها به قدری آن را بزرگ‌نمایی می‌کنند که گویی همه کشور درگیر شده و در فضای مجازی هم انگار ایران تا زیر زانو در خون رفته و نظام سقوط کرده است اما وقتی در جامعه حضور داریم می‌بینیم که اصلا چنین چیزی نیست و این همان کوچک‌نمایی است. وی تصریح می‌کند: باید بدانیم این انقلاب ساده به دست نیامده و برایش هزاران شهید داده‌ایم اما دشمنان دیرینه‌ای هم داریم؛ از همان زمان که منافقان دست در دست صدام گذاشتند و عملیات «فروغ جاویدان» را شکل دادند تا همین امروز که آتش‌بیارمعرکه هستند یا عربستان سعودی که با شبکه ایران اینترنشنال وارد شده درحالی‌که بن‌سلمان خودش حامی جنایات روشن و عیان بوده و شخصا دستور قتل خاشقچی را صادر کرده است.

نکته

راه برون‌رفت از شرایط فعلی

شجاعی‌طباطبایی توجه به چند نکته برای حفظ همبستگی را ضروری می‌داند و آنها را این‌طور برمی‌شمارد: نخست این‌که مسائل مربوط به کشور به هیچ عنصر خارجی ارتباطی ندارد و خودمان باید آن را در داخل حل کنیم. نباید به نسخه‌هایی که بایدن و شخصیت‌های مختلف سیاسی برای ما می‌پیچند استناد و به آن توجه کنیم.

نکته دیگر این‌که ما معتقدیم ایران باید مستقل باشد و می‌دانیم که ایران تجزیه‌شده به نفع هیچ‌کس نیست. بنابراین موظفیم این کشور را که ثمره خون هزاران شهید است، حفظ کنیم. از سوی دیگر افشاگر دشمنی‌های دشمنان‌مان باشیم و مردم را متوجه کنیم که هدف اینها تجزیه کشور است؛ بارها رسانه‌های معاند عنوان کرده‌اند که می‌خواهند شاهد ایرانی مانند سوریه باشند و به‌همین‌دلیل ناامیدی را القا می‌کنند اما ما باید امیدوارانه در راستای حفظ ایران بکوشیم.

زاویه دید

فرصت بروز استعداد در فیلم‌های ۱۰۰ثانیه‌ای

فرهاد قائمیان را با نقش‌آفرینی‌هایی جذاب در سینما به‌یاد می‌آوریم. او که با بازی در نقش کوتاه یک پهلوان در فیلم «دمرل» به کارگردانی زنده‌یاد یدا... صمدی وارد دنیای سینما شد، اواخر دهه ۷۰ و بعد از آشنایی و همکاری با زنده‌یاد رسول ملاقلی‌پور و بازی‌هایی ماندگار در هیوا، نسل سوخته و قارچ سمی، جای پایش را به عنوان بازیگری موفق تثبیت کرد. او که فارغ از بلندی و کوتاهی نقش، در نقش‌های مکمل و کوتاه به لحاظ میزان حضور هم می‌درخشد، همین نگاه را نسبت به فیلم‌های کوتاه و آثار ۱۰۰ثانیه‌ای هم دارد و می‌گوید: فیلم ۱۰۰ثانیه‌ای باید «آن» یک فیلم کامل را داشته باشد. فیلمساز باید برای رسیدن به این سطح از فیلمسازی، به پختگی رسیده باشد. فرهاد قائمیان در آستانه برگزاری جشنواره فیلم ۱۰۰ درباره نقش‌آفرینی در فیلم‌های کوتاه به مهرگفت: من خودم را بچه سینمای کوتاه می‌دانم. هم فیلم کوتاه ساخته‌ام و هم در فیلم‌های بسیاری در فرآیند تولید، همکاری داشته‌ام. از این منظر سینمای جوان و سینمای کوتاه را خانه خود می‌دانم. بخشی از کارنامه حرفه‌ای خودم را مدیون کار در سینمای کوتاه می‌دانم. او درباره فیلم‌های ۱۰۰ثانیه‌ای گفت: فیلم ۱۰۰ثانیه‌ای در واقع بخشی از سینمای کوتاه و برشی از زندگی است. فیلم کوتاه را شاید بتوان برشی از فیلم بلند هم دانست. ساخت فیلم ۱۰۰ثانیه‌ای به‌عنوان یک تجربه، آن‌قدر برای هر فیلمسازی لازم است که معتقدم نباید آن را نادیده بگیرد.

این بازیگر درباره تأثیر جشنواره‌ها بر مسیر حرکت یک فیلمساز هم تأکید کرد: قطعا هر رویداد و جشنواره‌ای در مسیر فیلمسازی هر فیلمساز حائز اهمیت است، اما معتقدم فیلمساز کوتاه، بیش از هر چیز باید خودش را ثابت کند، نه برای حضور در جشنواره. در عین حال جشنواره‌ها هم باید در طول هر سال متوجه ظرفیت فیلمسازان کوتاه باشند و از آن استفاده کنند. مسئولان و جشنواره‌ها باید برای فیلمسازان جوان، بسترساز باشند تا فیلمسازان کوتاه بتوانند به اوج هدف خود که فیلمسازی بلند است، برسند. از این منظر فیلمسازان کوتاه بزرگ‌ترین سرمایه سینمای ما هستند.

قائمیان درباره مرز میان تیپ‌سازی و شخصیت‌سازی در یک فیلم ۱۰۰ثانیه‌ای هم گفت: من قائل به این تفکیک نیستم. اگر در زمان ۱۰۰ثانیه، بتوان مضمون موردنظر را به مخاطب منتقل کرد، یعنی فیلمساز موفق بوده، مهم این است که «آن» فیلم به مخاطب منتقل شود.

این بازیگر سینما درباره تفاوت سبک داستانگویی در یک فیلم بلند سینمایی با سینمای کوتاه هم توضیح داد: فیلم کوتاه در واقع شروع یک حرکت به سمت ساخت فیلم بلند است. معتقدم فیلم ۱۰۰ثانیه‌ای هم کمک می‌کند تا فیلمساز پخته‌تر شود تا به مرحله فیلمسازی بلند برسد.

او با تأکید بر این‌که ساخت فیلم کوتاه به دلیل فرصت کمتر برای انتقال مضمون، سخت‌تر از ساخت فیلم بلند است، بیان کرد: در یک فیلم بلند با مجموعه‌ای از سکانس‌ها برای انتقال مفهوم مواجه هستیم اما در فیلم کوتاه، فرصت کمتری برای این ارائه وجود دارد. یک بازیگر باید بتواند در فرصت ۱۰۰ثانیه مضمون یک فیلم را درک و آن را ارائه کند و قطعا این مورد، نشان‌دهنده استعداد اوست.

قائمیان گفت: تا امروز نزدیک به ۱۲ فیلم کوتاه برای سینماگران جوان بازی کرده‌ام و از این بابت به خودم مغرورم و می‌بالم. این‌که توانستم برای دوستانی کار کنم که زمانی خودم هم در کنارشان آموزش می‌دیدم و باز هم توانستم در همکاری مستقیم از آنها چیزی را یاد بگیرم.

روزنما

«روز فرهنگی عراق» در تهران

«روز فرهنگی عراق» با مشارکت رایزن فرهنگی جمهوری عراق در ایران در کوشک باغ هنر منطقه فرهنگی و گردشگری عباس‌آباد برگزار می‌شود.

این رویداد، با مشارکت رایزن فرهنگی جمهوری عراق در ایران امروز از ساعت ۱۵ تا ۱۷ در کوشک باغ هنر این منطقه فرهنگی و گردشگری برگزار خواهد شد.

این برنامه با هدف معرفی فرهنگ و آداب و رسوم کشور عراق و نزدیکی و آشنایی هر چه بیشتر بین جامعه نخبگانی ایران و عراق برگزار می‌شود.

در این برنامه با نمایش فرهنگ این کشور در حوزه‌های شعر، موسیقی، نقاشی، تاریخ علم، غذا، شیرینی و لباس مردم عراق و با اشاره به مشترکات فرهنگی دو کشور و استفاده از ظرفیت روابط تاریخی و عمیق بین ایران و عراق برای ایجاد پیوندهای محکم‌تر و ایجاد فرصت‌های مناسب برای آشنایی هر چه بیشتر با فرهنگ دو کشور ایران و عراق گام برداشته می‌شود.

رویداد

موفقیت «قورقوشوم» در جشنواره گراندآف لهستان

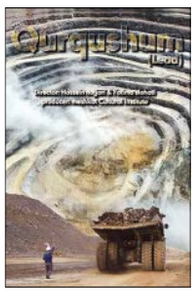

فیلم مستند داستانی «قوروشوم» در میان پنج فیلم برتر شانزدهمین جشنواره گرندآف لهستان در بخش سینماتوگرافی قرار گرفت.

آن طور که مهر گزارش داد، فیلم قورقوشوم به کارگردانی مشترک حسین نجاری و فاطیما سیاحتی و به تهیه‌کنندگی موسسه فرهنگی مشکات که از بین ۴۱۰۰ فیلم از سراسر دنیا به مرحله نهایی جشنواره گرندآف راه یافته بود، جزو پنج فیلم برتر این جشنواره در بخش سینماتوگرافی شد.

جشنواره گرندآف از جشنواره‌های معتبر جهان است و فیلم‌های نامزد شده توسط هیأت داوران بین‌المللی متشکل از ۸۰ کارشناس، نظریه‌پرداز، کارگردان و بازیگر از کشورهای مختلف جهان ارزیابی می‌شود.

فیلم قورقوشوم با نگاهی تاریخی به معدن انگوران ساخته شده و ضمن اشاره به قدمت این معدن و بهره‌برداری مکانیزه آن توسط زنده‌یاد مرتضی رستگار در قبل از انقلاب، به مشکلاتی پرداخته که در آن منطقه و معدن مشهود است.

در این فیلم ضمن اشاره به محرومیت‌های منطقه انگوران، پررنگ بودن برخی باورهای سنتی هم به تصویر کشیده می‌شود.

کتابخانه

چاپ صدم «حاج قاسمی که من می‌شناسم»

در آستانه سالگرد شهادت سردار سپهبد شهید حاج‌قاسم سلیمانی و به‌دنبال استقبال از نهمین دوره پویش کتابخوانی «کتاب قهرمان»، کتاب «حاج قاسمی که من می‌شناسم» از انتشارات خط مقدم به چاپ صدم رسید.

حجت‌الاسلام علی شیرازی در «حاج قاسمی که من می‌شناسم» خاطرات نزدیک به ۴۰ سال رفاقت با شهید حاج‌قاسم سلیمانی را بازگو کرده است. این کتاب، ثمره ۱۹ساعت گفت‌وگوی سعید علامیان با علی شیرازی است. برخی دست‌نوشته‌ها و یادداشت‌های وی هم ضمن نگارش و تدوین آمده است.